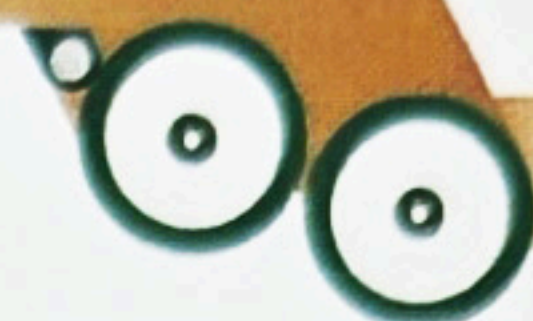




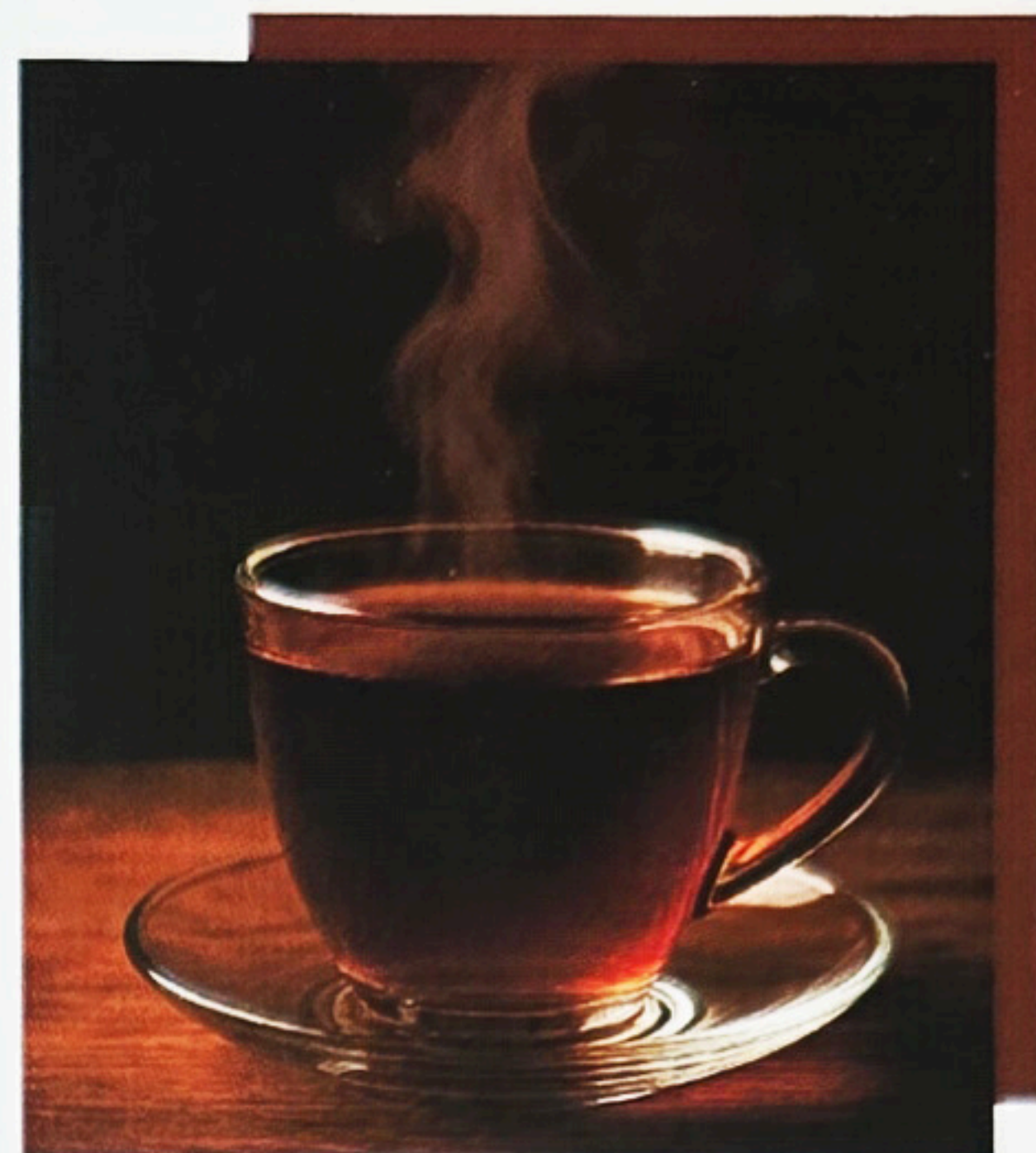
یک فنجان چای با

مهدی عظیمی

فعال تخصصی حوزه چاپ

مسئله فقط کیفیت کاغذ نیست؛ ثبات کیفیت است

کاغذ ایرانی؛ انتخاب اول چاپخانه‌ها، به شرط کیفیت و ثبات



واردات نیاز داریم؟

اگر بخواهیم واقع‌بینانه نگاه کنیم، موضوع کاغذ را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ یکی کاغذهای تحریر و کاغذهایی که بیشتر در حوزه نشر مورد مصرف هستند و دیگری کاغذهایی که در حوزه بسته‌بندی مورد استفاده قرار می‌گیرند و بخش زیادی از مصرف کشور را به خود اختصاص می‌دهند. ما در بخش اول، یعنی کاغذهای تحریر و نشر، توفیق‌هایی داشته‌ایم؛ هرچند این توفیق‌ها، برخلاف روند اصلی تجارت، توفیق‌های پایدار و قابل اطمینانی نبوده‌اند.

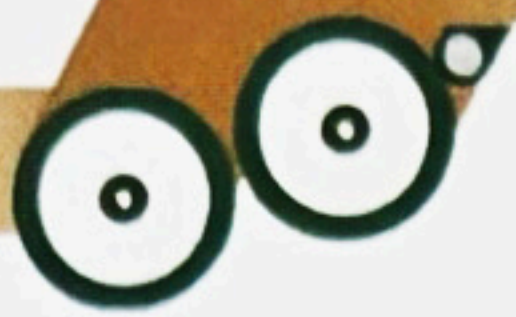
نکته‌ای که درباره تولید کاغذ در کشور وجود دارد این است که تولید کاغذ داخلی متأسفانه مستمر نبوده، از نظر اقتصادی هم بعضی مواقع توجیه‌پذیر نبوده، استانداردهای لازم را نداشته و متناسب با نیاز واقعی صنعت چاپ نبوده است. گاهی در حد یک اجبار کشوری، بسیاری از کتاب‌ها و صنایع و حتی کتاب‌های درسی مجبورند از این کاغذها استفاده کنند؛ وگرنه از منظر استاندارد بودن، این کاغذها لزوماً در سطح مطلوب قرار ندارند. با این حال، با توجه به شرایطی که کشور ما دارد، به هر حال چالش‌های سیاسی و در سال‌های اخیر بسته‌شدن مسیرهای واردات، فکر می‌کنم بد نیست بخشی نیاز کشور با اتکا به تولید داخلی مرتفع شود. اما واقعیت این است که هم به دلایل زیست‌محیطی و هم به دلایل اقتصادی و تجاری، کشور ما با بسیاری از کشورهای دیگر به لحاظ رشد گیاه و تولید الیاف متفاوت است. ما از نظر اکوسیستم طبیعی و آب‌وهوایی نمی‌توانیم با کشورهای مانند کشورهای آمریکای جنوبی یا کشورهای شرق آسیا که شرایط آب‌وهوایی متفاوتی دارند، رقابت کنیم.

در خصوص بحث الیاف، من فکر می‌کنم بخش کوچکی از این ظرفیت را برای تولید کاغذ نگه داریم کفایت می‌کند، ولی در واقع باید تعامل خودمان را همچنان با دنیا حفظ کنیم و چشم‌داشتی به استفاده از کاغذهای باکیفیت داشته باشیم. کاغذهایی که در کاغذ A4 و سیستم اداری استفاده می‌شوند، قاعدتاً بخش بسیار زیادی از آنها وارداتی است و این موضوع نشان می‌دهد که ما همچنان به تعامل با بازارهای جهانی نیاز داریم.

مهم‌ترین چالش کاغذهای تولید داخل را کیفیت می‌دانید یا موضوعات دیگری نیز مطرح است؟

صنعت چاپ و بسته‌بندی ایران، با وجود برخورداری از نیروی انسانی متخصص، تجربه فنی و ظرفیت‌های قابل توجه تولیدی، همچنان با یکی از مهم‌ترین چالش‌های زنجیره تأمین خود یعنی تأمین مواد اولیه مواجه است. در این میان، کاغذ و مقوا نه تنها از منظر قیمت و دسترسی، بلکه از نظر کیفیت، ثبات مشخصات فنی و تداوم تأمین، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت محصول نهایی دارند. مهدی عظیمی، فارغ‌التحصیل مقاطع کاردانی و کارشناسی رشته چاپ و همچنین فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته بازرگانی و خارجی است. بخش عمده فعالیت حرفه‌ای او در حوزه‌های تخصصی زنجیره چاپ و بسته‌بندی و تأمین مواد اولیه متمرکز بوده است. او در سال‌های فعالیت خود تلاش کرده است ارتباط میان تولیدکنندگان، تأمین‌کنندگان و مصرف‌کنندگان صنعتی را حرفه‌ای‌تر و پایدارتر کند. مجموعه مارال تجارت نیز در همین راستا و با تمرکز بر تأمین و تجارت مواد و ملزومات تخصصی صنایع چاپ و بسته‌بندی و برخی حوزه‌های مرتبط فعالیت می‌کند. فعالیت تخصصی او بهانه‌ای شد تا با عظیمی به گفت‌وگو بنشینیم. او معتقد است اگرچه صنعت چاپ ایران به واسطه دانش و تجربه نیروهای متخصص توانسته بسیاری از کاستی‌های ناشی از فرسودگی ماشین‌آلات را جبران کند، اما ضعف در تأمین مواد اولیه، به‌ویژه کاغذ و مقوا، می‌تواند حتی بهترین توان فنی و اپراتوری را نیز تحت تأثیر قرار دهد. او در این گفت‌وگو از ضرورت حفظ بخشی از ظرفیت تولید داخلی، اهمیت تعامل با بازارهای جهانی، چالش ثبات کیفی کاغذهای داخلی، مشکلات واردات، نقش واسطه‌ها، وضعیت کاغذ و مقوای بسته‌بندی و همچنین ضرورت تغییر جایگاه سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا سخن می‌گوید.

ارزیابی شما از وضعیت تولید کاغذ در کشور چیست؟ آیا باید بر توسعه تولید داخلی تمرکز کنیم یا همچنان به



گاهی حتی عده‌ای متأسفانه اقداماتی انجام می‌دهند که موضوع کاغذ را به یک مسئله غیرتخصصی و غیرشفاف تبدیل می‌کند و در نهایت این مسئله به مصرف‌کننده نهایی آسیب می‌زند، نتیجه این افزایش قیمت را امروز در صنایع مختلف مشاهده می‌کنیم. قیمت کاغذ آن قدر افزایش پیدا کرده که برخی صنایع به دنبال راه‌های جایگزین هستند. برای مثال، مشتریان حوزه دارویی را می‌بینیم که بروشورهای خودشان را به صورت الکترونیکی و از طریق یک QR Code در اختیار مخاطب قرار می‌دهند. تلاش می‌کنند اطلاعات و نحوه مصرف را تا جای ممکن کم کنند. حتی شاهد یک ایده جالب، هرچند از نظر من نه چندان اصولی، هستیم که برخی تولیدکنندگان، اطلاعات بروشور را در لایه مقوایی بسته‌بندی چاپ می‌کنند و مخاطب باید آن قسمت را پاره کند یا آن را نگه دارد. در حالی که در گذشته، همین اطلاعات در قالب یک بروشور شکل چاپ می‌شد و مخاطب می‌توانست آن را تا آخرین مصرف دارو یا قرص نگه دارد و عوارض و اطلاعات آن را بارها بررسی کند. امروز اما این اطلاعات گاهی روی جعبه مقوایی و در لایه داخلی مقوا چاپ می‌شود و دلیل آن نیز مشخص است: کاغذ گران شده است. این گرانی کاغذ گاهی مانند همین مثالی که عرض کردم، به شیوه‌های مصرف و حتی به مدل ارائه خدمات و محصولات بسیاری از صنایع آسیب می‌زند.

وضعیت کاغذ و مقوای مورد استفاده در بسته‌بندی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در حوزه بسته‌بندی و کاغذهای مقوایی، به نظر بنده مهم‌ترین و شاید مظلوم‌ترین بخش دارای چالش در حوزه کاغذ، مقوا و بسته‌بندی کشور را داریم، اما باید توجه کنیم که در یک بسته‌بندی صرفاً پوشش کالا مطرح نیست. بسته‌بندی بخشی از هویت برند، بخشی از بازاریابی، بخشی از لجستیک کالا و حتی بخشی از امنیت کالا است. بسته‌بندی از کالا محافظت می‌کند. متأسفانه سیاست‌های صنعتی ما در کشور امروز صرفاً بیشتر در حوزه کاغذهای مورد کاربرد در نشر متمرکز شده و کمتر به کاغذهای بسته‌بندی اختصاص یافته است، ما در این حوزه فاصله زیادی با دنیا داریم و بنظرم جا دارد مسئولان مقداری بیشتر به این حوزه توجه کنند؛ حوزه‌ای که به جرأت می‌توانم بگویم یکی از تأثیرگذارترین و شاید سودآورترین حوزه‌های صنعت چاپ است.

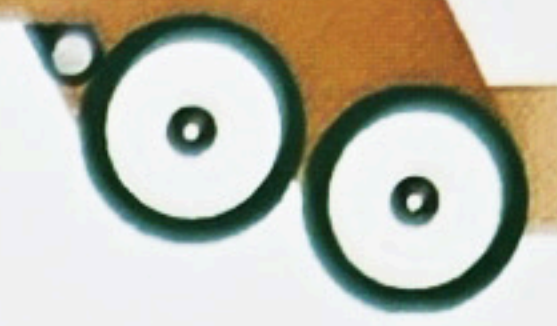
من فکر می‌کنم مهم‌ترین چالش ما صرفاً کیفیت نیست. چیزی که قطعاً برای همکاران ما در حوزه چاپ اهمیت بسیار زیادی دارد، ثبات در کیفیت است. حتی اگر کیفیت یک محصول پایین باشد، اگر بتوانیم همان حد از کیفیت را تثبیت و حفظ کنیم، امکان برنامه‌ریزی و کار با آن وجود دارد. این اتفاق متأسفانه در کاغذهای تولید داخل کمتر رخ می‌دهد. ثبات در گرماژ، ضخامت، رطوبت و چاپ‌پذیری، مواردی هستند که ما در سال‌های اخیر بسیار متغیر دیده‌ایم. هر پارت با پارت دیگر ممکن است متفاوت باشد و حتی در فصل‌های مختلف، خروجی‌های متفاوتی از شرکت‌های تولیدکننده کاغذ داخلی دریافت کرده‌ایم. حتی میزان سفیدی و Brightness کاغذ، عبور نور، خوردگی و شکنندگی و سطح پوشش‌پذیری آن با مرکب و تطبیق آن با مرکب، به خصوص در چاپ افست که اصلی‌ترین روش چاپ مورد استفاده در ایران در حوزه نشر و چاپ است، مواردی هستند که بسیار متغیر بوده‌اند. حتی در قسمت‌های مربوط به خطا، شکنندگی الیاف و مواردی از این دست، در سال‌های اخیر نوسانات زیادی دیده‌ایم. این موضوع باعث نارضایتی بسیار زیاد چاپخانه‌ها و حتی اپراتورهای ماشین‌آلات چاپ شده است. یک‌دست نبودن گرماژ و اصطلاحاً همان پلنسی که کاغذ دارد، متأسفانه گاهی حتی در یک رول کاغذ نیز به راحتی به چشم می‌خورد. البته بحث پرزدهی کاغذ نیز بسیار مهم است. همان‌طور که می‌دانید، پرز و گردوغبار ایجادشده از کاغذ می‌تواند در بخش لاستیک ماشین چاپ و سایر قسمت‌های ماشین‌آلات آسیب ایجاد کند و تأثیر بسیار زیادی بر فرآیند چاپ داشته باشد.

در حوزه کاغذهای وارداتی وضعیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر بخواهیم همین چالش را درباره واردات هم مطرح کنیم، شرایط امروز ما بسیار دشوارتر شده است، تحریم‌های آمریکا و همچنین در یک سال گذشته، جنگ ناجوانمردانه‌ای که به کشور عزیزمان تحمیل شده، باعث شده شرایط تحریمی جدید و بسته‌شدن تنگه هرمز، آسیب بسیار زیادی به واردات و روند تأمین مواد اولیه وارد کند. این موضوع حتی در خصوص کاغذهای کاربردی و کاغذهای حرارتی نیز خودش را نشان داده است. بخشی از این کاغذها در داخل تولید می‌شدند و در خصوص کاغذهای تحریر نیز بخش زیادی از مواد اولیه آنها وارداتی است. این چالش به شکل مستقیم بر صنعت چاپ تأثیر گذاشته است. همان‌طور که می‌بینیم، قیمت‌ها به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و چاپخانه‌داران را با مشکلات بسیار جدی مواجه کرده است.

عمدتاً کاغذ مورد نیاز خود را چگونه تأمین می‌کنید؟

بخش زیادی از کاغذ مورد نیاز خودمان را از تولیدکنندگان داخلی تأمین می‌کنیم که خوشبختانه گاهی کیفیت‌های خوبی هم دارند، اما بخشی از نیاز را نیز بصورت مستقیم وارد می‌کنیم. من بسیار خوش‌بین هستم که برای مجموعه‌هایی که مصرف کاغذ زیادی دارند، این اجازه داده شود که حداقل به اندازه نیاز خودشان ثبت سفارش کنند و بتوانند مستقیماً کاغذ را وارد کنند. دلیل این موضوع این است که می‌دانیم در بحث کاغذ، یکی از عوامل رشد قیمت، در کنار نوسانات ارز، دلالتی و تعدد واسطه‌ها است. کاغذی که به دست چاپخانه در بخش چاپ می‌رسد، شاید سه تا پنج دست چرخیده باشد و هر بار درصدی به قیمت آن اضافه شده باشد.



ظرفیت‌های هر چاپخانه به راحتی قابل اندازه‌گیری و محاسبه است و میزان خروجی محصول نهایی که به End User می‌دهد نیز بسیار قابل اندازه‌گیری است، من فکر می‌کنم از طریق تعامل بین اتحادیه چاپخانه‌داران و سندیکای کاغذ، به راحتی می‌توان این موضوع را مدیریت کرد. متأسفانه ما هیچ‌وقت در سال‌های اخیر شاهد نبودیم که مثلاً رؤسا، مدیرعامل‌ها یا حتی کارشناسان فنی شرکت‌های تولید کاغذ بیایند و با اتحادیه تعامل کنند؛ نشست‌هایی با چاپخانه‌های ما داشته باشند؛ به خصوص چاپخانه‌هایی که در حوزه بسته‌بندی حرفی برای گفتن دارند. تولیدکنندگان باید بیایند، نیازهای این چاپخانه‌ها را از نظر فنی بررسی کنند، کمبودهایشان را بشناسند و حتی دلایل اینکه چاپخانه‌ها کمتر رغبتی به استفاده از کاغذهای داخلی دارند را به چالش بکشند و بررسی کنند.

این تعامل چقدر راهگشا می‌تواند باشد؟

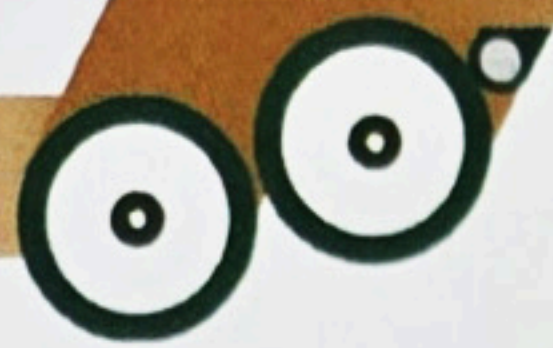
بنظرم این تعامل می‌تواند در راستای رشد هم‌زمان دو صنعت کاغذ و چاپ شکل بگیرد، من فکر می‌کنم یکی از کارهای اصلی سندیکای کاغذ می‌تواند همین موضوع باشد؛ اینکه به عنوان یک نهاد مرجع، حتی در حوزه فروش و واردات نیز نقش داشته باشد. این سندیکا می‌تواند از مراجع ذی‌صلاح، از جمله وزارت صمت، اختیاراتی بگیرد تا برای End User و مصرف‌کننده نهایی، سازوکار مشخصی ایجاد شود. اگر من یک چاپخانه‌دار باشم که مثلاً چند صد تن مقوا در سال مصرف می‌کنم، سندیکا یا یک نهاد تخصصی می‌تواند مجوزی ایجاد کند که بتوانم نیاز خودم را به صورت شخصی و یا حتی بدون واسطه

به دلیل گران بودن تولید کاغذ و مقواهای بسته‌بندی، امروز بخش خصوصی توان سرمایه‌گذاری اقتصادی و به‌روز برای تولید این کاغذها و مقواهای بسته‌بندی را ندارد. البته همکاران ما در حوزه‌های مختلف، به صورت محدود و موردی، تولیداتی دارند، اما واقعیت این است که به هیچ وجه میزان تولید فعلی جوابگوی نیاز کشور نیست. ما ظرفیت‌های بسیار بالایی برای صادرات بسته‌بندی داریم؛ اما متأسفانه به دلیل نقص در تولید مواد اولیه یا حتی واردات مواد اولیه، از بازارهای جهانی و بازارهای منطقه‌ای خودمان عقب مانده‌ایم و نتوانسته‌ایم از ارزش افزوده بالقوه‌ای که در صنعت چاپ کشور وجود دارد استفاده کنیم و شاید بتوان گفت این عرصه را به رقبای ترک و حتی رقبای اماراتی خودمان واگذار کرده‌ایم.

سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا چه نقشی می‌تواند در حل این مشکلات داشته باشد؟

پیشنهاد من این است که این سندیکاها از یک شکل صرفاً صنفی خارج شوند و لزوماً به یک نهاد تخصصی تنظیم‌گر و مرجع فنی بازار تبدیل شوند، این سندیکا باید در کنار خودش تعاملاتی با زیرشاخه‌های تصمیم‌گیردولتی و شاید حتی سیستم بانکی داشته باشد و در عین حال تعامل خود را با صنف و اتحادیه‌های صنفی چاپ بسیار گسترده‌تر کند. واقعیت این است که همه ما شاهد هستیم کاغذ با چند دست واسطه به مصرف‌کننده نهایی می‌رسد و این موضوع هم قیمت را بسیار افزایش می‌دهد و هم تأمین را دشوارتر می‌کند، در حالی که مصرف‌کنندگان واقعی و نهایی کاغذ و مقوا امروز در کشور قابل شناسایی هستند.





ایرانی در بازار وجود دارد، خیلی موفق نبوده‌ایم. امروز شاهد هستیم که بسته‌بندی‌ها عمدتاً با کاغذهای وارداتی و مقوای وارداتی انجام می‌شوند و گاهی ما هم نمی‌توانیم تأثیر زیادی روی این تصمیم داشته باشیم. اما به شما قول می‌دهم و تأکید می‌کنم که تمام صنف چاپ، حتی با اختلاف قابل قبول ۳۰ تا ۴۰ درصدی، جنس ایرانی را به جنس خارجی ترجیح می‌دهد.

این نگاه نشان می‌دهد که مسئله، بی‌اعتمادی به تولید داخلی یا عدم علاقه به محصول ایرانی نیست؛ مسئله اصلی، کیفیت، کمیت، ثبات و استمرار تأمین است. من فکر می‌کنم اگر یک مجموعه در حوزه چاپ و بسته‌بندی، مواد اولیه خوب، باکیفیت و با قیمت مناسب داشته باشد، می‌تواند خروجی قابل قبولی برای مشتریان خود ارائه کند. به جد به این جمله ایمان دارم که کشور ما، با وجود تمام تحریم‌ها و تمام فرسودگی‌هایی که در صنعت چاپ، گاهی به لحاظ ماشین‌آلات وجود دارد، از نظر کیفی حرف‌های زیادی برای گفتن در منطقه دارد. اما واقعیت این است که ما توانسته‌ایم بخش زیادی از این مشکلات و کاستی‌ها را با تخصص و مراتب علمی که در کشور در حوزه چاپ ایجاد کرده‌ایم، جبران کنیم. کاستی و کاهش کیفیتی که در مواد اولیه وجود دارد و همچنین عدم یکنواختی تأمین و عدم کیفیت مواد اولیه، موضوعی است که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت، به هر حال، اگر شما بهترین اپراتور دنیا را هم داشته باشید، وقتی کاغذی با کیفیت نامناسب در اختیار او قرار می‌دهید، نمی‌تواند محصول خروجی باکیفیتی تولید کند. امیدوارم بتوانیم در چشم‌اندازهای آینده، ایران را مثل همیشه سربلند و سرفراز و به عنوان قله چاپ منطقه ببینیم.

تأمین کنم. این موضوع می‌تواند کمک بسیار زیادی به بازار کند، در کنار آن، تلاش برای افزایش کیفیت کاغذهای داخلی نیز باید یکی از مأموریت‌های اصلی این مجموعه باشد.

و با توجه به شرایط موجود، آیا فعالان صنعت چاپ ترجیح می‌دهند از کاغذ و مقوای ایرانی استفاده کنند یا نمونه‌های خارجی؟

باید عرض کنم که من یک فرد بسیار ناسیونالیست هستم و اولویت‌های کشور برای من بسیار مهم است. با اختلاف خیلی زیاد، حتی در سطح کیفیت، قیمت و تداوم تولید، واقعاً حاضر نیستم به هیچ وجه روزی و نانی را که می‌تواند نصیب کارگر ایرانی شود را به سفره کارگر خارجی ببرم. این چیزی است که فکر می‌کنم نه‌تنها بنده، بلکه تمام همکاران من در حوزه چاپ و نشر نیز چنین تعصبی روی کشور دارند. با اختلاف زیاد، تا جایی که بتوانیم، سعی می‌کنیم محصول ایرانی را استفاده کنیم. در این میان ولی یک «اما و اگر» مهم وجود دارد؛ ما در بسیاری از اوقات تصمیم‌گیر نهایی نیستیم، ما صرفاً ارائه‌دهنده خدمات چاپی هستیم.

کسی که تصمیم می‌گیرد سفارشش با چه مواد اولیه‌ای چاپ شود مشتری است، اوست، که تصمیم می‌گیرد محصولش با چه مقوا و کاغذی بسته‌بندی شود، ناشری که تصمیم می‌گیرد جلد کتابش با چه مقوایی چاپ شود یا متن کتابش با چه کاغذی چاپ شود، او تصمیم‌گیرنده است. ما تنها می‌توانیم پیشنهاد بدهیم و تلاش کنیم که این روزی و این ارزش افزوده، به قول معروف، نصیب سفره کارگر ایرانی شود. با تمام وجود داریم این کار را انجام می‌دهیم؛ اما متأسفانه به دلیل فاصله زیادی که از نظر کیفی و کمی و حتی ثبات مواد اولیه